

عنوان مقاله:

بررسی دیالکتیک هنر در «ترجمه ادبی» بر اساس نظریات تئودور آدورنو و والتر بنیامین: نقد ترجمه رمان ناتور دشت

محل انتشار:

فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه، دوره 50، شماره 1 (سال: 1396)

تعداد صفحات اصل مقاله: 20

نویسنده:

بهروز احمدزاده بیانی - آزاد آبادان

خلاصه مقاله:

نظریات تئودور آدورنو و والتر بنیامین در خصوص هنر با راهبرد ترجمه متون ادبی ارتباط معنی دار دارد. هر دو نظریه پرداز به حقیقت هنری اعتقاد دارند، اما تفاوت آن ها در چگونگی درک و انتقال حقیقت و حس هنری است به طوری که دیالکتیک هنری میان فرم و محتوا حفظ شود. بنابراین ترجمه ادبی فراتر از یک ترجمه خوب تنها به انتقال صحیح پیام محدود نمی شود بلکه میزان تأثیر و تداوم اثر در فرهنگ مقصد معیار است. این چنین وظایف مترجم ملزم به درک حقیقت هنری و رویارویی با چالش هایی است که نیازمند راهکارهای نظری در زیباشناسی، تفسیر و ترجمه می باشد. بنیامین با نظریه «هنر بازتولیدپذیر» بر مدل ترجمه بین خطی تأکید دارد تا حس منحصربه فرد مفاهیم هنری را آزاد سازد و از آن برای آگاهی بخشی به مردم استفاده کند، اما آدورنو با ارائه نظریه دیالکتیک منفی بر تداوم حقیقت هنر و بی قالب بودن آن تأکید دارد که این دیدگاه با ترجمه تفسیری مطابقت دارد. در این مقاله ایدئولوژی مترجمان مختلف رمان ناتور دشت در درک و انتقال لحن، حس و پیام اثر با توجه به مشابهت اثر با نظریات انتقادی بنیامین و آدورنو مورد بحث و بررسی قرار گرفت. ترجمه محمد نجفی نه تنها از نظر امانت داری در لحن با نظریه بازتولید هنری بنیامین همخوانی دارد، بلکه از نظر همانندسازی دیالکتیک هنری، با نظریه دیالکتیک منفی آدورنو همخوانی دارد و موفق تر از سایر ترجمه ها می باشد.

کلمات کلیدی:

تئودور آدورنو، والتر بنیامین، ترجمه ادبی، رمان ناتور دشت، احمد کریمی حکاک، محمد نجفی، آراز بارسقیان

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1172464>

